

بررسی رابطه «اخلاق ورزشی» با «اعتقادات» به عنوان یکی از مؤلفه‌های هوش معنوی

دکتر محمد سلطان‌حسینی*
دکتر زهره موسوی**
دکتر احمد عابدی***
اعظم صیاد طلایی****

چکیده

هدف این تحقیق بررسی رابطه بین مؤلفه «اعتقادات» از هوش معنوی با «اخلاق ورزشی» در بین ورزشکاران نخبه هندبال، واترپلو، بسکتبال، شنا، فوتبال و کاراته در باشگاه‌های اصفهان بود. روش پژوهش توصیفی - همبستگی و حجم نمونه برابر با ۱۶۸ نفر از ورزشکاران نخبه باشگاه‌های اصفهان در سال ۱۳۸۸ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری عبارت بود از پرسشنامه محقق‌ساخته «اخلاق ورزشی» و پرسشنامه محقق‌ساخته «هوش معنوی» که دارای هشت مؤلفه، از جمله مؤلفه «اعتقاد به خدا» بود. ضریب پایایی به‌دست‌آمده برای دو پرسشنامه به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۹۵ بود. جهت تحلیل داده‌های حاصله از روش آماری تحلیل رگرسیون و ضریب همبستگی استفاده شد. یافته‌ها طبق برآورد تحلیل رگرسیون نشان داد که رابطه بین مؤلفه «اعتقادات» از هوش معنوی با «اخلاق ورزشی» مثبت و معنادار است.

واژه‌های کلیدی: اخلاق ورزشی، ورزشکاران نخبه، هوش معنوی، باشگاه‌های اصفهان

Email: m.soltanhoseini@spr.ui.ac.ir

Email: azamtalai508@yahoo.com

* استادیار دانشکده تربیت‌بدنی دانشگاه اصفهان

** دکترای روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

*** استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

**** کارشناسی ارشد تربیت‌بدنی دانشگاه اصفهان

تاریخ دریافت: ۹۰/۰۴/۲۰ تاریخ تأیید: ۹۰/۰۸/۲۵

مقدمه

در آیین مقدس اسلام، برخلاف بسیاری از آیین‌های دیگر، بدن آدمی مورد تحقیر نیست. اسلام بدن انسان را چیزی بی‌ارزش نمی‌داند، زیرا بدن انسان ابزار تکامل روح است. تحقیر بدن، در حکم تحقیر شخصیت آدمی است و کسی که مرتکب این عمل شود، مستوجب کیفر و قصاص است. اسلام برای سلامتی، ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل بوده؛ از این‌رو، فقه و سنت اسلامی از مطالب و دستورالعمل‌هایی در این باره پر است.

در اسلام، احادیث و رهنمودهای فراوانی از بزرگان دین، برای حفظ سلامتی و تقویت بدن و پرداختن به ورزش، وارد شده است؛ از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

امام علی(ع) فرمودند: «الصَّحَّةُ أَفْضَلُ النَّعْمِ؛ صحت و سلامتی از هر نعمت دیگری بهتر و ارزشمندتر است» (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۳۸، جمله ۱۱۱۴۸).

پیامبر اکرم(ص) فرمود: «المؤمن القوی خیر و احب من المؤمن الضعیف؛ مؤمنی که قوی و نیرومند باشد، در نظر من از مؤمنی که ضعیف باشد بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است» (الاسلام والطب، ص ۲۶۳؛ برگرفته از: سایت مهدویت).

خداوند در قرآن درباره طالوت می‌فرماید: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ؛ و او را در دانش و [نیروی] بدن بر شما برتری بخشیده است» (بقره، ۲۴۷).

و باز امام علی(ع) فرمودند: «و اغتنم صحتك قبل سقمك؛ سلامتی نعمتی است که باید قبل از بیماری آن را غنیمت شمرد» (مجلسی، ۴۰۳ق، ج ۸۱، ص ۱۷۳).

در ادعیه بسیاری به عافیت و سلامت اهمیت داده شده است. برای مثال، حضرت علی(ع) در قالب آموزش به ما یک درخواست مهم از پروردگار در دعای کمیل دارند که عبارت است از: «رب قوّ علی خدمتك جوارحی».

در این روایات، ارزش اصیل و واقعی، به ایمان اختصاص یافته و در مرحله بعد، به قوت توجه شده است؛ یعنی آنچه باعث ارزش انسان می‌شود، همانا ایمان او است. ضعیف‌ترین فرد باایمان، از نیرومندترین شخص بی‌ایمان، به مراتب باارزش‌تر بوده است؛ اما با این فرض که دو نفر باایمان وجود داشته باشند و از نظر درجه ایمان و تقوا نیز یکسان باشند، شخص باایمانی که قوی است، یک نوع فضیلت نسبت به دیگری دارد، به خصوص اگر این قوت را با زحمت، تلاش و ورزش به دست آورده باشد (حسین صبوری، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

در تعریف ورزش و ورزش قهرمانی در جامعه اسلامی تأکید شده که ورزش فقط برای کسب مدال نیست. ورزش هم برای تندرستی و هم ابزاری برای تربیت سالم به حساب

می‌آید. البته به قهرمان‌پروری هم باید توجه داشت و مدال را ابزاری برای تقویت انگیزه‌ها و اقبال عمومی به ورزش، تندرستی و تربیت سالم دانست؛ اما نباید از شهرت‌طلبی‌ها هم غافل ماند. جامعه برای هرکدام از افراد صاحب‌نام در عرصه ورزش هزینه کرده است، ورزشکاران مشهور باید بدانند که حضور آنها در میادین به معنای نمایش اخلاق اسلامی است؛ بنابراین، کسی که در قله قرار گرفت و قهرمان شد، دیگر متعلق به خودش نیست. هدف نهایی ورزش، تربیت است. سکو و مدال لازم است؛ اما کافی نیست. متأسفانه بعضی از مدیران فدراسیون‌ها فقط به فکر قهرمان‌پروری‌اند و اخلاقیات را به فراموشی سپرده‌اند (غفوری‌فرد و گرامیان، ۱۳۶۹، ص ۳۳).

در حالی که به ورزش باید از بُعد اخلاقی، فرهنگی، دینی و معنوی توجه کرد و اینکه مسائل اخلاقی و فرهنگی در ورزش با زندگی خصوصی قهرمانان و مربیان ارتباط دارد. نسل جوان ورزشکار به همان اندازه‌ای که به فراگیری علوم و فنون ورزشی محتاج است، به همان مقدار نیز به معلم اخلاق نیاز دارد؛ چرا که هنر قهرمانی برای کسب موفقیت و تداوم آن نیازمند یک دوره کامل سازندگی فکری و جسمی است. اگر ورزش ما بتواند خود را با این خط تطبیق دهد، آنگاه می‌توان به ورزشکار القا کرد که در کنار ورزش، زندگی سالم همراه با اخلاق حسنه را بیابد. یادمان باشد آنجا که مسائل اخلاقی کمرنگ شود، دل‌ها از هم جدا می‌شود و شکست حتمی است و آنجا که معنویت و اخلاق در کمال خود با هم اختلاطی معقول پیدا کنند، قدرت و استحکام در جمع به حد اعلا می‌رسد و پیروزی را به دنبال دارد. سازمان تربیت‌بدنی، کمیته ملی المپیک و همه نهادهای ورزشی این باور را در خود به وجود آورند که هدف نهایی ورزش، تربیت است. سکو و مدال لازم است؛ اما کافی نیست (فرهادی، ۱۳۷۷، ص ۷۳).

با توجه به مطالب بالا، روشن می‌شود که هیچ مکتب و آیینی در جهان وجود ندارد که به اندازه اسلام، به سلامتی و شادابی انسان‌ها اهمیت داده باشد. در اینجا به منظور روشن‌تر شدن مطلب و آشنایی با سیره علمای اسلام، به فرمایش و سیره امام خمینی (ره)، بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی اشاره می‌شود. آن حضرت در دیدار با گروهی از ورزشکاران فرمودند: «من ورزشکار نیستم، ولی ورزشکاران را دوست دارم». این دوست داشتن توسط یک رهبر بزرگ و کم‌نظیر دینی، مربوط به میل شخصی نیست، بلکه بیانگر نظر اسلام درباره ورزش و ورزشکار است و تأییدی بر پسندیده بودن ورزش از نظر اسلام است؛ ولی اینکه فرمودند: «من ورزشکار نیستم»، بدین معنا است که ورزشکار حرفه‌ای و

رسمی نیستم، زیرا همه می‌دانند که ایشان تا سن ۸۸ سالگی، همه‌روزه مقادیر زیادی پیاده‌روی می‌کردند (حسین صبوری، ۱۳۸۳).

مردم می‌دانند که جسمشان با ورزش ورزیده می‌شود، اما به‌طور معمول از درک اینکه روان آدمی با چه چیز ورزیده می‌شود یا اصلاً آیا ذهن و روانشان به تقویت نیاز دارد، عاجز هستند یا اصلاً درکی از اینکه روان آدمی نیز می‌تواند مثل جسم او ورزیده شود، بی‌خبر هستند. مراقبه همراه با مطالعه پیگیر و روشمند، ورزش روح و روان انسان است. برای همین است کسانی که مراقبه می‌کنند، از لحاظ عصبی و روحی بسیار قوی‌تر، ورزیده‌تر و سالم‌تر از افرادی هستند که مراقبه نمی‌کنند (والمن، ۲۰۰۱، ص ۳۲).

در این رابطه، یکی از مؤلفه‌ها هوش معنوی است که به انسان این توانایی را می‌دهد تا اخلاقیات را در درون خود نهادینه کند و این هوش زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آنها معتقدیم و نقش باورها، هنجارها، عقاید و ارزش‌ها را در فعالیت‌هاییدربر می‌گیرد که بر عهده می‌گیریم. هوشی که قادریم توسط آن به کارها و فعالیت‌هایمان معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن بر معنای عملکردمان آگاه شویم و دریابیم که کدام‌یک از اعمال و رفتارهایمان، اعتبار بیشتری دارند و کدام مسیر در زندگی‌مان بالاتر و عالی‌تر است تا آن را الگو و اسوه زندگی خود سازیم. مطالعات جدید عصب‌شناسان نشان می‌دهد که برخی از کنش‌های مغزی با تجربه‌های معنوی همراه است، به گونه‌ای که معنویت در برخی از قسمت‌های مغز اثرگذار است. یکی از این قسمت‌ها، قسمت لپ‌های گیج‌گاهی است که دقیقاً پشت ناحیه گیج‌گاهی است و عصب‌شناسان این بخش را «منطقه خدا» می‌نامند؛ زیرا با تحریک مصنوعی آن، موضوع‌های معنوی، مانند دیدار با خدا، گفتگوی دینی، از خودگذشتگی، فداکاری، انسان‌دوستی و مانند اینها پدیدار می‌شود. بنابراین، می‌توان به وجود هوش معنوی در انسان معتقد بود (راماچاندران و بلاکسلی،^۱ ۱۹۹۸، ص ۱۲).

چند سالی است که زوهار و مارشال^۲ (۲۰۰۰) که درباره فیزیک، فلسفه و مذهب به مطالعه می‌پرداختند، کتابی با عنوان هوش معنوی: هوش بنیادی منتشر کردند که سرآغاز هوش سومی، به عنوان «هوش معنوی» در مجامع علمی بود (ص ۲۵).

والمن^۳ (۲۰۰۱) هوش معنوی را این‌گونه تعریف می‌کند: «توانایی و ظرفیت انسان را برای پرسیدن سؤالات بنیادی درباره معنای زندگی و مفاهیم معنوی و هم‌زمان تجربه بی‌وقفه میان هر یک از ما و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم».

1. Ramachandran & Blakeslee

2. Zohar & Marschal

3. Wohlman

والمن معتقد است مؤلفه‌های: «اعتقاد به ربوبیت»^۱، «مراقبت»^۲ (توجه به فرایندهای جسمانی)، «ادراک فرا حسی»^۳ (مربوط به حس ششم یا رویدادهای فرا روان شناختی)، «وحدت و یگانگی» (که فعالیت‌های اجتماعی، بخشش و... را توصیف می‌کند)، «اندیشمندی»^۴ و «ریاضت روحی» در هوش معنوی حضور دارند و ایفای نقش می‌کنند (والمن، ۲۰۰۱، ص ۸).

از جمله روابطی که بین خدا و خلق، در نظر گرفته می‌شود، این است که مخلوقات، نه تنها در اصل وجود و پیدایش خود نیازمند به خدا هستند؛ بلکه همه شئون وجودی آنها به خدای متعال وابسته است. هنگامی که این رابطه را به صورت کلی در نظر بگیریم، مفهوم ربوبیت، انتزاع می‌شود که لازمه آن تدابیر امور است و مصادیق فراوانی، مانند حفظ و نگهداری کردن حیات بخشیدن و میراندن، روزی دادن، به رشد و کمال رساندن راهنمایی کردن و مورد امر و نهی قرار دادن و غیره دارد. شئون گوناگون ربوبیت را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: نخست، ربوبیت تکوینی که شامل اداره امور همه موجودات و تأمین نیازهای آنها و در یک کلمه «کارگردانی جهان» می‌شود. دیگری، ربوبیت تشریحی که به موجودات ذی‌شعور و مختار اختصاص دارد و شامل مسائلی مانند فرستادن انبیا، نازل کردن کتب آسمانی، تعیین وظایف و تکالیف و جعل احکام و قوانین می‌شود. ربوبیت مطلقه الهی به این معنی است که مخلوقات در همه شئون‌های وجودی، به خدای متعال وابسته هستند و وابستگی‌هایی که به یکدیگر دارند که سرانجامه وابستگی همه آنها به آفریننده، منتهی می‌شود و او است که بعضی از آفریدگان را به وسیله بعضی دیگر اداره می‌کند و روزی‌خواران را به وسیله روزی‌هایی روزی می‌دهد که می‌آفریند، و موجودات ذی‌شعور را با وسایل درونی (مانند عقل و سایر قوای ادراکی) و با وسایل بیرونی (مانند پیامبران و کتب آسمانی) هدایت می‌کند و برای مکلفان، احکام و قوانینی، وضع و وظایف و تکالیفی تعیین می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۸۳).

عامل محوریت اعتقادات (ربوبیت) از هوش معنوی به احساس و درک وجود یک هستی برتر و متعالی مربوط است. درحقیقت، عوامل دیگر پرسشنامه هوش معنوی کاملاً تحت تأثیر این عامل قرار دارد و می‌توان گفت که اصلی‌ترین عامل این پرسشنامه محسوب می‌شود. از نظر والمن باید به اهمیت اخلاق در بُعد معنویت توجه خاص داشت. فرد معنوی و معتقد به خداوند در مواقع ضروری از جان و مال خود می‌گذرد و ممکن است کارکرد اجتماعی بالایی

1. Divinity
3. Setimental perception

2. Mindfulness
4. Thinking

داشته باشد و احساس همدلی و همدردی با افرادی داشته باشد که رنج می‌برند. این فرد تمام معیارهای هوش معنوی را دارد. در چنین مواردی، به‌ندرت به سوی منطقی عمل کردن و دوری گزیدن از فعالیت‌های معنوی گرایش دارد (والمن، ۲۰۰۱، ص ۲۴).

درواقع، اخلاق هر گونه صفت نفسانی است که باعث پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صورت نفسانی به صورت پایدار و راسخ و چه به صورت ناپایدار و غیر راسخ باشد و چه از روی تأمل و اندیشه یا بدون تفکر و تأمل صادر شود. با وجود این، شایع‌ترین کاربرد اصطلاحی اخلاق در میان اندیشمندان عبارت است از: صفات نفسانی راسخ و پایداری که باعث می‌شود افعالی متناسب با آن صفات به‌آسانی و بدون نیاز به تأمل از آدمی صادر شود (ابن‌مسکویه، ۳۴۷ق، ص ۵۱).

صبوری، از اخلاق ورزشی به معنای توجه به ویژگی‌های نیک مردانگی، رقابت منصفانه و جوانمردانه به مفهوم رعایت عدالت و مشارکت در ورزش بر مبنای اعتقادات دینی و قانونی یاد می‌کند. منظور از اخلاق ورزشی، شاخص‌ها و صفات اخلاقی است که قهرمانان در حوزه رشته ورزشی خود از نظر مقررات فنی و اخلاقی به رعایت آنها ملزم شده‌اند، عدم رعایت آنها عواقب منفی دارد، از جمله این صفات، حفظ رفتار خود در هنگام رقابت و خشم، ارائه بازی جوانمردانه یا به‌طور کلی، همان ویژگی‌هایی است که قهرمان را به یک پهلوان تبدیل می‌کند (صبوری، ۱۳۸۳، ص ۵۶).

بر این اساس، هدف این پژوهش بررسی رابطه بین مؤلفه محوریت اعتقادات از هوش معنوی و اخلاق ورزشی است، تا بتوان زمینه‌ای را برای تقویت اخلاق ورزشی فراهم کرد و راهکارهایی را برای بهبود اخلاق ورزشی ورزشکاران ارائه داد. بنابراین، پرسش اساسی این تحقیق، بررسی سهم نسبی حیطه محوریت اعتقادات از هوش معنوی بر اخلاق ورزشی است؟

روش تحقیق

نوع پژوهش با توجه به موضوع تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه ورزشکاران نخبه رشته‌های هندبال، بسکتبال، واترپلو، فوتبال، شنا و کاراته می‌شود که قرارداد رسمی با یکی از باشگاه‌های لیگ برتر اصفهان داشتند و مشغول فعالیت بودند. به دلیل آنکه در این پژوهش، واریانس جامعه آماری نامعلوم است؛ انجام یک مطالعه مقدماتی بر روی گروهی از افراد جامعه به منظور پیش‌برآورد واریانس نمونه

ضرورت دارد. بنابراین، یک گروه سی نفری از ورزشکاران به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسشنامه در بین آنها توزیع شد. پس از استخراج داده‌های مربوط به پاسخ‌های گروه مزبور و پیش‌برآورد واریانس حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول برابر با ۱۶۸ نفر شد که از این تعداد ۸۷ نفر مرد و ۸۱ نفر زن بودند.

برای بررسی رابطه هوش معنوی با اخلاق ورزشی در بین ورزشکاران نخبه باشگاه‌های اصفهان از دو نوع پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد. پرسشنامه هوش معنوی که برای ساخت آن با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای، مبانی نظری هوش معنوی جمع‌آوری و بررسی شد. علاوه بر این، با مطالعه اصلی‌ترین متون معنوی، دینی و ادبی فرهنگ غالب ایران و با توجه به اینکه بیشتر جمعیت ایران از افراد مسلمان تشکیل شده است و با در نظر گرفتن این واقعیت که باورها و رفتارهای معنوی و مذهبی و به‌طور کلی، فرهنگ غالب این افراد بسیار تحت تأثیر دین مبین اسلام و کتاب مقدس قرآن است. در تعریف و تعیین مؤلفه‌های پرسشنامه محقق‌ساخته هوش معنوی از دو منبع مبانی دین اسلام و کتاب قرآن استفاده شد و آن دسته از توانایی‌ها، ظرفیت‌ها و ویژگی‌ها استخراج شد که به نظر می‌رسید بیانگر تظاهرات هوش معنوی در فرهنگ ایران است. درنهایت، هشت عامل شامل معنا و هدف در زندگی، آرامش درون، محوریت اعتقادات به خداوند در کارها (ربوبیت)، باورها و اعمال معنوی و مذهبی، خودآگاهی، بخشش، صبر و تحمل دیگران (شکیبایی) و تجربه‌های معنوی به دست آمد. برای تدوین سؤال‌های پرسشنامه ۸۰ سؤالی ماتریس روانی معنویت PSI (والمن، ۲۰۰۱)، پرسشنامه ۱۸۰ سؤالی شخصیت معنوی SPQ (اسمیت، ۲۰۰۴)، مقیاس ۱۷ سؤال SIS (ناسل، ۲۰۰۴) پرسشنامه ۸۰ سؤالی هوش معنوی SQQ (اسمیت، ۲۰۰۴) و مقیاس ۷۵ سؤالی تجربه معنوی (غباری بناب و همکاران، ۱۳۸۴) به کار رفت. در مرحله مقدماتی یک پرسشنامه ۹۷ سؤالی تهیه و تنظیم شد. به منظور تعیین روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه در اختیار گروهی از اساتید علوم دینی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا نظرهای خود را بیان کنند. پس از در نظر گرفتن نظرهای آنها، درنهایت یک پرسشنامه ۵۲ سؤالی به دست آمد. برای نمره‌گذاری از روش لیکرت استفاده شده است. پایایی پرسشنامه پس اجرای مقدماتی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۵ بود که بیانگر سطح پایایی مطلوب آن است.

برای ساخت پرسشنامه اخلاق ورزشی، در مرحله نخست با مطالعه منابع داخلی و خارجی موجود درباره اخلاق و اخلاق ورزشی حیطه‌هایی برای اخلاق ورزشی مشخص

شد که شامل مؤلفه‌های رقابت منصفانه، کنترل خود، خصایل نیک و هدف از ورزش است. در تدوین سؤال‌ها از پرسشنامه ده سؤالی ناول^۱ (۲۰۰۷) و مفاهیم مطرح‌شده در کتاب جیمز آرنولد^۲ و کتاب مدیریت ورزشی پارکهاوس^۳ (۱۹۹۱) استفاده شد. قبل از شروع تحقیق برای جلوگیری از ابهام‌ها و نارسایی‌های احتمالی موارد مطرح‌شده در سؤال‌ها و به منظور پی بردن به روایی سؤال‌ها، پرسشنامه اخلاق ورزشی بین عده‌ای از صاحب‌نظران، استادان دانشگاه توزیع و پس از اعمال نظرها و پیشنهادهای اصلاحی آنان، سؤال‌هایی که از نظر پاسخگویان مبهم و یا دارای اشکال بود، اصلاح و در مواردی تغییر داده شد (روایی محتوا). درنهایت، پرسشنامه نهایی ۲۹ سؤالی تدوین شد. بنابراین، با توجه به اینکه همه افراد اذعان داشتند که سؤال‌های پرسشنامه با هدف‌های پژوهش مطابقت دارد، می‌توان گفت که پرسشنامه روایی لازم را دارد. پایایی ابزار با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۲ به دست آمد.

نتایج

در این قسمت یافته‌ها براساس سؤال پژوهش در جدول شماره یک ارائه شده است و آن اینک: سهم نسبی حیطه محوریت اعتقادات از هوش معنوی بر اخلاق ورزشی چقدر است؟

جدول ۱: آزمون رگرسیون بین متغیر پیش‌بین (محوریت اعتقادات به خداوند در کارها) و متغیر ملاک (اخلاق ورزشی)

متغیرها	شاخص	R	R ²	F	سطح معناداری
اخلاق ورزشی و محوریت اعتقادات به خداوند در کارها	۰/۸۸۵	۰/۷۸۲	۶۰۱/۰۰۳	۰/۰۱	
متغیرها	شاخص	Beta	t	سطح معناداری	
اخلاق ورزشی و محوریت اعتقادات به خداوند در کارها	۰/۳۰۳	۶/۴۶۷	۰/۰۱		

تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که بین متغیر پیش‌بین (محوریت اعتقادات به خداوند در کارها) و متغیر ملاک (اخلاق ورزشی) همبستگی معناداری وجود دارد ($R=0/885$) و

1. Naul
2. Arnold
3. Parkhause

$P=0/01$). همچنین ضریب تعیین $0/782$ بوده است. این ضریب نشان می‌دهد که حیطة محوریت اعتقادات به خداوند در کارها می‌تواند $0/782$ درصد از متغیر ملاک را تبیین کند. ضرایب استاندارد بتا و مدل رگرسیون نیز نشان می‌دهد که اخلاق ورزشی و محوریت اعتقادات به خداوند در کارها ($Beta=0/303$ و $P=0/001$) همبستگی معناداری داشته است. بلیر و یانگ^۱ (۲۰۰۴، ص ۲۳) نیز در تحقیق خود دریافته‌اند که این حیطة از هوش معنوی، به شدت روی رفتارهای اخلاقی فرد تأثیر می‌گذارد و باعث می‌شود که فرد رفتار شایسته‌تری از خود بروز دهد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش درباره سهم نسبی حیطة محوریت اعتقادات از هوش معنوی بر اخلاق ورزشی نشان می‌دهد که این مؤلفه رابطه تنگاتنگی با اخلاق ورزشی دارد و ورزشکارانی که در این عامل نمره بالایی به دست آورده‌اند، باور به وجود یک هستی برتر و متعالی دارند و به‌طور پیوسته حضور این هستی را در زندگی خود درک می‌کنند. این افراد باور دارند که جهان هستی براساس تصادف به وجود نیامده و همه موجودها خالق واحدی دارند. باور به چنین وجودی از جمله عواملی است که به زندگی معنا و ارزش می‌دهد. چنین انسانی به خود اجازه نمی‌دهد که به خود و دیگران آسیب رساند و مرتکب رفتارهای نابهنجار و ناشایست شود؛ چرا که خداوند را ناظر بر تمام اعمال خویش می‌بیند و در محضر حق تعالی مرتکب خلاف نمی‌شود. به عبارت دیگر، افرادی که از لحاظ مذهبی پایبندتر هستند، در اخلاق ورزشی نمره بالاتری را کسب کرده‌اند. نتایج با آنچه فلاحی در تحقیق خود بیان داشته همخوانی دارد. فلاحی به این نتیجه رسیده که نماز و روزه از اموری است که روحیه معنوی را در انسان ایجاد کرده و قدرت تحمل سختی‌ها را افزایش می‌دهد و در عین حال، اضطراب را کاهش می‌دهد که سبب افزایش فعالیت سیستم خودمختار اعصاب (بخش سمپاتیک) شده و انگیختگی بدن را افزایش می‌دهد (انگیختگی زیاد باعث عدم تمرکز، اشتباه فراوان و شکست در اجراهای ورزشی می‌شود). ورزشکاری که قدرت بالایی در تحمل سختی‌ها و فشارهای رقابت‌های ورزشی داشته باشد. قابل توجه است که هم در زمینه اجرا و هم در عرصه اخلاق قهرمان میدان خواهد بود؛ زیرا همان‌گونه که اشاره شد مفهوم هوش معنوی دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح

رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین فردی و غیره شامل می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌نماید. این هوش به فرد دید کلی درباره زندگی و همه تجربه‌ها و رویدادها می‌دهد و او را قادر می‌کند که به چارچوب‌بندی و تفسیر مجدد تجارب خود پرداخته، شناخت و معرفت خویش را عمق بخشد. فرد دارای آن چیزی می‌شود که به عنوان اصل اساسی در دین مطرح است (مثل دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ درباره مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آنها) که این اصول محورهای اصلی هوش معنوی را نیز دربر دارد. قابل توجه است که روش‌های ارتقای هوش معنوی (مثل مراقبه، پرورش خودآگاهی در ادیان مختلف به‌ویژه آموزه‌های دین اسلام) جایگاه بسزایی دارد که یافته‌های این تحقیق این مطلب را تأیید می‌کند.

بنابراین با تقویت و ارتقای این مؤلفه می‌توان اخلاق ورزشی ورزشکاران را بهبود بخشید. همانند بسیاری از موضوع‌های دیگر، در مؤلفه اخلاق نیز ضعف اساسی و دلیل اصلی عدم توفیق، نگاه تک‌بعدی است. برای نهادینه شدن اخلاق باید به بسترهای جامعه‌شناختی و روان‌شناختی آن توجه شود. طبق یافته تحقیق به نظر می‌رسد که مربیان و مسئولان باید تمام تلاش خود را به کار گیرند تا ورزشکاران تأثیر خدا را در زندگی شخصی خود بپذیرند و اعتقاد داشته باشند که خداوند در زندگی آنها دخالت مستقیم دارد. می‌توان رابطه صمیمی و متقابل ورزشکار را با خداوند از راه خواندن نمازهای یومیه و تدبر در معنای عرفانی آنها، خواندن قرآن، کمک به دیگران، تقویت کنند.

منابع

- ابن مسکویه (۳۴۷ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: بیدار.
- الاسلام والطب، برگرفته از سایت مهدویت، چهل حدیث سلامتی:
otad110.blogfa.com/post-211.aspx
- صبوری، حسین (۱۳۸۳)، اخلاق در ورزش، تهران: صبوری.
- غباری بناب، باقر و همکاران (۱۳۸۶)، «هوش معنوی»، فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی، ش ۱۰، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- غفوری فرد، حسن و علی گرامیان (۱۳۶۹)، ارزش و جایگاه ورزش در اسلام، تهران: کمیته ملی المپیک.
- فرهادی، اسماعیل (۱۳۷۷)، «ورزش و اخلاق»، خلاصه مقالات نخستین کنگره روانشناسی ورزشی، تهران: کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دارالاحیاء التراث الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۰)، آموزش عقاید، قم: مؤسسه آموزش و پرورش امام خمینی (ره).
- Belaire, C. & J. S. Young (2004), "Influences of Spirituall Intelligence onMoral Behavior", *Journal of Psychological Bulletin* 88, pp.1-45.
- Nasel, D. (2004), Spirituall Orientation in Relation to Spirituall Intelligence: A consideration of Traditional Christianity and New Agel Individualistic Spirituality Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophyin the University of South Australia, Division of Education Artand Sosial Science, School of Psychology, Submitted on The th11 Murch.
- Naul, R. (2007), "Fair Play as an Olympic Ideal and a Personal Behaviour Pattern in Sport Activities: Vision and Reality a Ssessed by Young European Students" *Journal of Personality and Social Psychology*, vol.77, pp.402-414.
- Ramachandran, V. & S. Blakeslee, (1998), *Phantoms in the Brain: Probing the Mysteries of the Human Mind*, London: UK: Fourth Estate.

- Sisk, D.A. (2001). *Spiritual intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation press.
- Smith, S. (2004), "Exploring the Interaction of Emotional Intelligence and Spirituality", *Traumatology*, 10(4): 231-243.
- Wolman, R. N. (2001), *Thinking with Your Soul: Spiritual Intelligence and Why it Matters*, New York: Harmony Book.
- Zohar, D. & L. Marshall (2000), *SQ: Spiritual Intelligence: The Ultimate Intelligence*, New York: NY, USA: Bloomsbury.

